

کتاب
برای
پرکاری
تست



مشاوران آموزش

ناشر تخصصی دروس عمومی و علوم انسانی

Can You
SPEAK
English?

مجموعه کتاب‌های

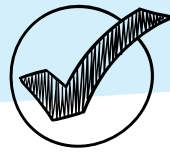
تست

انگلیسی یازدهم

۱۱۳۲ تست و آزمون تشریحی + پاسخنامه کاملاً تشریحی + درسنامه

[فریبرز قنبری]

بستنک فنار



«کتابی برای برای پرکاری تستی»

✓ چرا «تستیک» را آماده کردیم؟

پشت سر این مجموعه کتاب، یک ایده آموزشی وجود دارد: برخی از دانش آموزان، مطالب درسی را در مدرسه یاد می گیرند و از تست به عنوان یک ابزار یادگیری استفاده می کنند و ابتدا تست کار می کنند. این دانش آموزان، این ترتیب را در یادگیری دارند: یادگیری در مدرسه + پرکاری تستی + رفع اشکال به کمک پاسخ های تشریحی + مراجعه به درسنامه برای مرور طبیعی است که این دانش آموزان بهتر و بهتر مطالب را یاد خواهند گرفت و به نظر می رسد که نتایج درخشان تری در آزمون های چهارگزینه ای نیز بگیرند. ✓ به تست پاسخ بده، تیک بزن، برو جلو.

تستیک یعنی چه؟

«تستیک = تست + تیک»

یادگیری از طریق تست، جسارت نیز می خواهد. این یادمان باشد. جسارت می خواهد چون ممکن است از حجم تست هایی که پاسخ آن را نمی دانیم یا پاسخ تست را اشتباه زده باشیم، بترسیم و در این صورت باز برویم و فقط درسنامه بخوانیم، اما نترسید.

یادتان باشد که تکرار دوباره درسنامه به شما کمکی نمی کند و تنها باعث می شود که آرام شوید.

اما بهترین کار این است که آرام نباشید. آرامش را نباید با کارهای غلط که نتیجه ندارد به دست آورید. آرامش باید در اثر کارهای درستی باشد که منجر به نتیجه خوب می شود.

تست زدن، ایرادهای ما را رو می کند. نترسید؛ بگذارید ایرادهایتان رو شود تا بتوانید ایرادهای تان را حل کنید و با حل هر ایراد، یک قدم برای نتیجه بهتر بردارید. برویم و حمله کنیم برای به دست آوردن نتیجه ای بهتر!

انتشارات مشاوران آموزش

وحید تمنا

مقدمه

به نام خدا

در این کتاب مطالب، درس به درس با زبان بسیار ساده و روان و در عین حال کامل و جامع، قدم به قدم تدریس شده است و برای سنجش هر درس، تست‌های متنوع در سه سطح ساده، متوسط و دشوار ارائه شده، به‌طور کلی می‌توان گفت این کتاب دارای ویژگی‌های زیر است:

۱) تدریس مفهومی و کنکوری درس به درس گرامر

۲) ارائه واژگان خط به خط هر درس با معنای دقیق و تلفظ آن به‌صورت کاربردی در جملات و عبارات

۳) ارائه مترادف و متضادهای هر درس

۴) ارائه تست‌های گرامر و لغت برای هر درس، در سه سطح ساده، متوسط و دشوار

۵) ۴ سری آزمون امتحانی درس به درس، ۲ سری آزمون نیم‌سال اول و ۴ سری آزمون پایان سال

در پایان شایسته است از مدیر محترم انتشارات، جناب آقای وحید تمنا، مدیر محترم واحد تألیف، جناب آقای احمد خداداد، ویراستاران عزیز و همچنین کلیه پرسنل محترم انتشارات صمیمانه سپاس‌گزاری کنیم.

به امید موفقیت شما

فریبرز قنبری
رامین براتی

مهرست



Lesson 1: Understanding People..... 7



Lesson 2: A Healthy Lifestyle 34



Lesson 3: Art and Culture 74



110..... پاسخنامه

LESSON 1

Understanding People

در این درس می‌خوانیم...

<p>آزمون امتحانی</p> <p>- آزمون امتحانی (۱)</p>	<p>سؤالات لغات</p> <p>- سؤالات چهار گزینه‌ای سطح ساده</p> <p>- سؤالات چهار گزینه‌ای سطح متوسط</p> <p>- سؤالات چهار گزینه‌ای سطح دشوار</p>	<p>سؤالات گرامر</p> <p>- سؤالات چهار گزینه‌ای سطح ساده</p> <p>- سؤالات چهار گزینه‌ای سطح متوسط</p> <p>- سؤالات چهار گزینه‌ای سطح دشوار</p>	<p>لغات</p> <p>- آموزش و معنی واژگان درس یک</p> <p>- مترادف‌ها و متضادها</p>	<p>گرامر</p> <p>- اسم قابل شمارش و غیرقابل شمارش</p> <p>- صفات کمی</p> <p>- جملات ساده</p> <p>- جمع‌بندی</p>
--	--	---	---	---

گرامر

اسم «Noun»

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن کسی، جایی و یا چیزی به کار می‌رود.

✓ man, apple, John, country

انواع اسم:

✓ pen, book, table

۱- اسم‌های قابل شمارش «countable»: اسم‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را جمع بست یا شمرد.

✓ water, money, salt, rice, sugar, butter, cheese, traffic, meat

۲- اسم‌های غیرقابل شمارش «uncountable»: اسم‌هایی هستند که نمی‌توان آن‌ها را جمع بست.

آقا ببخشید مگه از قدیم نگفتن اگه از زمین پول هم پیدا کردید، بشمارید؟ پس چرا شما «money» رو جزء اسم‌های غیرقابل شمارش آوردید؟

پول غیرقابل شمارش هست، چون ما نمی‌تونیم بگیم یک پول، دو پول و... در واقع ما واحد پول رو می‌شمریم؛ مثل: تومان، دلار و ...



برخی از اسامی در زبان فارسی، قابل شمارش هستند، ولی در زبان انگلیسی غیرقابل شمارش هستند:

✓ bread «نان» / information «اطلاعات» / news «اخبار» / advice «نصیحت» / homework «تکلیف»

آقا پس اگه بریم انگلستان و سه تا نون بخواهیم، چه جوری باید بگیم؟!

باید از واحد «نان»، یعنی «a loaf of» استفاده کنیم؛ مثلاً می‌گیم: «three loaves of bread»، یعنی «سه قرص نان».



برخی از اسامی در یک معنی قابل شمارش هستند و در معنی دیگر، غیرقابل شمارش هستند:

- ✓ room (شمارش) اتاق / (غیرقابل شمارش) جا (فضا)
- ✓ work (غیرقابل شمارش) کار / (قابل شمارش) اثر
- ✓ paper (غیرقابل شمارش) کاغذ / (قابل شمارش) روزنامه



«job» به معنی «کار یا شغل» یک اسم قابل شمارش است، در حالی که «work» به معنی «کار» غیرقابل شمارش است.
«assignment» به معنی «تکلیف» یک اسم قابل شمارش است، در حالی که «homework» به معنی «تکلیف» یک اسم غیرقابل شمارش است.

● ● ● واحدهای اندازه‌گیری برای اسامی غیرقابل شمارش:

اسم غیرقابل شمارش	واحدهای اندازه‌گیری
bread	a loaf of
cake, paper	a piece of
advice	a piece of
melon, banana	a slice of
rice, sugar	a bag of
tea, coffee	a cup of
water	a glass of, a bottle of



چند نکته در مورد اعداد:

- ✓ twenty-one ✓ ninety-nine
- ۱) از عدد «۲۱ تا ۹۹» بین دو قسمت عدد، باید از خط تیره استفاده کنیم:
- ۲) بین عدد و اسم می‌توان از «صفت» استفاده کرد:

اسم + صفت + عدد

- ✓ two interesting books
- ✓ ten billion Canadian dollars

صفات کمی

any & some ● ● ●

«some» به معنی «مقداری یا تعدادی» هم برای اسامی غیرقابل شمارش و هم برای اسامی قابل شمارش جمع در جملات مثبت به کار می‌رود، در حالی که «any» به معنی «هیچ مقدار یا هیچ تعداد» هم برای اسامی غیرقابل شمارش و هم برای اسامی قابل شمارش جمع در جملات منفی یا سؤالی به کار می‌رود:

- ✓ (+) There are some books on the table.
- ✓ (?) Are there any books on the table?
- ✓ (-) There aren't any books on the table.
- ✓ (+) There is some water in the glass.
- ✓ (?) Is there any water in the glass?
- ✓ (-) There isn't any water in the glass.

much & many ● ● ●

«many» به معنی «تعداد زیادی» برای اسامی قابل شمارش جمع به کار می‌رود، در حالی که «much» به معنی «مقدار زیادی» برای اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌رود.

- ✓ There are many books in the library.
- ✓ There is much money in the bank.

به جای «many» و «much» می‌توان از صفات کمتی زیر استفاده کرد:

a lot of = lots of = plenty of

✓ There are a lot of books in the library.

✓ There is a lot of money in the bank.



بهرتر است در جملات مثبت به جای «many» و «much» از «a lot of» یا معادل‌های آن استفاده کنیم.



آقا فرق «a lot of» و «a lot» چیه؟!

بعد از «a lot of» اسم به کار می‌ره، ولی بعد از «a lot» اسم به کار نمی‌ره، در ضمن باید بدونی «a lot» معادل «very much» هستش و معمولاً آخر جمله میاد.

✓ He works a lot = He works very much.

کاربرد a little & little

«a little» به معنی «مقدار کمی» و «little» به معنی «مقدار ناچیز» هر دو برای اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌روند، با این تفاوت که «a little» مفهوم کم ولی کافی می‌دهد؛ ولی «little» معنی «ناچیز» می‌دهد و حالت منفی دارد.

✓ There is a little water in the glass.

There is little water in the glass.

کاربرد a few & few

«a few» به معنی «تعداد کم» و «few» به معنی «تعداد ناچیز» هر دو برای اسامی قابل شمارش جمع به کار می‌روند، با این تفاوت که «a few» مفهوم کم ولی کافی می‌دهد؛ ولی «few» معنی «تعداد ناچیز» می‌دهد و حالت منفی دارد.

✓ There are a few books in the library.

تعداد کمی کتاب در کتابخانه وجود دارد.

✓ There are few books in the library.

تعداد ناچیزی کتاب در کتابخانه وجود دارد.



اگر قبل از نقطه چین «only» داشتیم، جواب «a few» یا «a little» است.

Test Yourself

1. There is only food for you.

1 little

2 a little

3 few

4 a few

2. He was very hungry because he had eaten food.

1 little

2 a little

3 few

4 a few

3. There are apples in the basket.

1 some

2 any

3 much

4 a lot

4. I don't have money.

1 a lot

2 few

3 many

4 much

5. She has money

1 any

2 a few

3 a lot of

4 many

پاسخ

۱) با توجه به این‌که «food» اسم غیرقابل شمارش است و با وجود «only» از «a little» استفاده می‌کنیم، پس گزینه (۲) صحیح است.
ترجمه: «فقط غذای کمی برای شما وجود دارد.»

۲) با توجه به این‌که «food» اسم غیرقابل شمارش است و با توجه به مفهوم جمله از «little» استفاده می‌کنیم، پس گزینه (۱) صحیح است.
ترجمه: «او خیلی گرسنه بود، چون غذای ناچیزی خورده بود.»

۳) با توجه به این‌که «apples» یک اسم قابل شمارش جمع است و با «some» به کار می‌رود، پس گزینه (۱) صحیح است.
ترجمه: «تعدادی سیب در سبد وجود دارد.»

۴) «money» اسم غیرقابل شمارش است و برای آن از «much» استفاده می‌کنیم، پس گزینه (۴) صحیح است.
ترجمه: «من پول زیادی ندارم.»

۵) «money» اسم غیرقابل شمارش است و می‌تواند با «a lot of» به کار رود. پس گزینه (۳) صحیح است.
ترجمه: «او پول زیادی دارد.»



در جملات منفی سؤالی به کار می‌رود.

جملات ساده «simple sentences»

در زبان انگلیسی جمله ساده باید حداقل یک فاعل «subject» و یک فعل «verb» داشته باشد:

- ✓ John is working. جان دارد کار می‌کند.
- ✓ He does not play football. او فوتبال بازی نمی‌کند.



باید توجه داشته باشیم که به انجام دهنده کار فاعل «subject» می‌گویند، و کاری که فاعل انجام می‌دهد همان فعل «verb» است.

قید زمان +	قید مکان +	قید حالت +	مفعول +	فعل +	فاعل
every day	here	carefully	his lessons	studies	Ali



قیدهای تکرار قبل از فعل اصلی و بعد از فعل «to be» قرار می‌گیرند:

always	usually	often	sometimes	never
همیشه	معمولاً	اغلب	گاهی اوقات	هرگز

- ✓ He always comes here late. فعل اصلی / قید تکرار
- ✓ He is always late. قید تکرار / to be

جمع‌بندی

اسم «Noun»

- ✓ با s جمع بسته می‌شوند (book, pen, cat) → اسم قابل شمارش
- ✓ جمع بسته نمی‌شوند (water, bread, information) → اسم غیرقابل شمارش

انواع صفات کمی

- ✓ any & some (برای اسامی غیرقابل شمارش و هم برای اسامی قابل شمارش جمع)
- ✓ much & many (برای اسامی قابل شمارش جمع و much برای اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌رود.)
- ✓ a little & little (هر دو برای اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌روند.)
- ✓ a few & few (هر دو برای اسامی قابل شمارش جمع به کار می‌روند.)
- ✓ a lot of & lots of (به جای many و much می‌توان از این عبارات استفاده کرد.)

جمله ساده «Simple sentences»

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

- ✓ David studies his lesson carefully here every day.
زمان مکان حالت مفعول فعل فاعل

مثال	Sample	لغت	Vocabulary
او با سه زبان خارجی آشنا است.	He is familiar with three foreign languages.	آشنا	familiar / fə'mɪlɪə(r) / (adj)
ابرهای تیره نشانه باران هستند.	Dark clouds are the sign of rain.	نشانه جاده، نشانه، علامت، تابلو	sign / saɪn / (n)
یک پتوی اضافی.	An extra blanket.	اضافی	extra / 'ekstrə / (adj) (adv)
لطفاً موبایل را خاموش کن.	Turn off your cell phone, please.	خاموش کردن	turn off / tɜ:n ɒf / (phr) (v)
یکشنبه‌ها لندن خیلی آرام و ساکت است.	London is very quiet on Sundays.	ساکت، آرام	quiet / 'kwaɪət / (adj)
وارد چمن نشوید.	Keep off the grass.	دور ماندن، وارد نشدن	keep off / kip ɒf / (phr)
تماشای تلویزیون یکی از فعالیت‌های مورد علاقه او است.	Watching TV is one of his favorite activities.	فعالیت	activity / æk'tɪvəti / (n)
آرد را با شیر مخلوط کنید و سپس تخم‌مرغ‌ها را اضافه کنید.	Mix the flour with the milk, and then add the eggs.	اضافه کردن، افزودن	add / æd / (v)
من به‌طور مکرر به آنجا می‌روم.	I go there frequently.	به‌طور مکرر، مکرراً	frequently / 'frikwəntli / (adv)
یک زبان خارجی.	A foreign language.	خارجی	foreign / 'fɒrən / (adj)
جست‌وجو در اینترنت	Surfing the net.	(اینترنت) جست‌وجو کردن	surf / sɜ:f / (v)
پدرم مترجم است.	My father is a translator.	مترجم	translator / træn'sleɪtər / (n)
امروز، او میزبان است.	Today, he is our host.	میزبان، میزبان بودن، مجری ... بودن	host / həʊst / (n) (v) host of the ...
برای کار جدید مصاحبه دارم.	I've got an interview for a new job.	مصاحبه، مصاحبه کردن	interview / 'ɪntər.vju / (n) (v)
بیاید آن‌ها را برای شام دعوت کنیم.	Let's invite them for dinner.	دعوت کردن	invite / ɪn'vaɪt / (v)
من واقعاً او را ندیدم، فقط صدایش را شنیدم.	I didn't actually see him, I just heard his voice.	واقعاً، در واقع	actually / 'æktʃuəli / (adv)
من این لباس را دوست ندارم. علاوه‌براین خیلی هم گران است.	I don't like this shirt. Besides, it is too expensive.	علاوه بر این، به علاوه	besides / bɪ'saɪdz / (adv)
این کتاب خیلی جالب است.	This book is very interesting.	جالب	interesting / 'ɪntrəstɪŋ / (adj)
من یادگیری فرانسه را در یک مؤسسه زبان شروع کردم.	I began learning French in a language institute.	مؤسسه	institute / 'ɪnstɪtju:t / (n)
کانال یک بعد از ظهر اخبار پخش می‌کند.	Channel one broadcasts news in the afternoon.	خبر [پخش کردن]	broadcast / 'brɒd.kæst / (v)
ما می‌توانیم در تجربیاتمان سهیم شویم.	We can share our experiences.	تجربه	experience / ɪk'spiəriəns / (n)
نکته مهمی است.	That's an important point.	نکته، هدف، امتیاز	point / pɔɪnt / (n)
غذای مورد علاقه شما چیست؟	What's your favorite food?	مورد علاقه، مطلوب	favorite / 'feɪvərɪt / (adj)
او آدم درستکاری است.	She is a very honest person.	درستکار، صادق	honest / 'ɒnəst / (adj)
کاملاً حق با شما است.	You are absolutely right.	کاملاً، مطلقاً	absolutely / ,æbsə'lutli / (adv)

مثال	Sample	لغت	Vocabulary
زبان مادری	Mother tongue.	زبان	tongue / tʌŋ / (n)
یک امتحان شفاهی.	An oral examination.	شفاهی	oral / 'ɔrəl / (adj)
مناطق استوایی	Tropical regions.	منطقه، ناحیه	region / 'rɪdʒən / (n)
آسیا یکی از بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.	Asia is one of the largest continents in the world.	قاره	continent / 'kɒntənənt / (n)
آیا زندگی در کرات دیگر وجود دارد؟	Does life exist on other planets?	وجود داشتن	exist / ɪg'zɪst / (v)
زبان مادری	Native language.	مادری، اصلی	native / 'neɪtɪv / (adj)
ابعاد سیاست‌های حزب توسعه پیدا کرده است.	The range of the Party's policies has been wider.	متغیر بودن، توسعه	range / reɪndʒ / (v)
فوتبال در ایران یک ورزش پرطرفدار است.	Football is a popular sport in Iran.	پرطرفدار، محبوب	popular / 'pɒpjələr / (adj)
حقوق او ده درصد افزایش پیدا خواهد کرد.	His salary was increased by ten percent.	درصد	percent / pər'sent / (n)
آیا می‌توانید زندگی را بدون الکتریسیته تصور کنید؟	Can you imagine life without electricity?	تصور کردن	imagine / ɪ'mædʒən / (v)
دیروز علی را در کتابخانه دیدم.	I met Ali at the library yesterday.	ملاقات کردن، دیدن	meet / mit / (v)
ما در اوایل قرن بیست‌ویکم زندگی می‌کنیم.	We are living at the beginning of the twenty – first century.	قرن	century / 'sentʃəri / (n)
ما در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم.	We live in an Islamic society.	جامعه	society / sə'saɪəti / (n)
به وسیله یک قایق.	By means of a boat.	وسیله	means / minz / (n)
توانایی انسان در صحبت کردن، او را از حیوانات متمایز می‌سازد.	Human's ability to talk makes him different from animals.	توانایی	ability / ə'bɪləti / (n)
عقاید متفاوت	vary opinions.	متفاوت بودن، تفاوت داشتن	vary / 'veəri / (v)
چین هجده درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد.	China make up 18% of the world's population.	تشکیل دادن	make up / meɪk ʌp / (v)
علی‌رغم هوای بد، تصمیم گرفتیم بیرون برویم.	We decided to go out despite the bad weather.	علی‌رغم، بر خلاف	despite / dɪ'spaɪt / (pre)
اغلب برای والدین مشکل است تا با بچه‌های خود ارتباط برقرار کنند.	Parents often find it difficult to communicate with their children.	ارتباط برقرار کردن	communicate / kəm'junə'keɪt / (v)
ما از طریق زبان دانش را مبادله می‌کنیم.	We exchange knowledge through the language.	مبادله، معاوضه کردن	exchange / ɪks'tʃeɪndʒ / (v)
دانش علمی	Scientific knowledge	دانش	knowledge / 'nɒlədʒ / (n)
به اعتقاد من، ما درمان این بیماری را ظرف پنج سال دیگر خواهیم یافت.	It is my belief, we will find the cure of this disease within the next five years.	باور، اعتقاد	belief / bɪ'li:f / (n)
بیش از ۱۳۰۰ زبان در اقیانوسیه وجود دارد.	There are more than 1300 languages in oceania.	اقیانوسیه	oceania / ,oʊ'ʃi'ænjə / (n)
انگلیسی یک زبان بین‌المللی است.	English is an international language.	بین‌المللی	international / ,ɪntər'næʃənəl / (adj)

سطح ساده

1. How apples are there in the basket?
 1 much 2 many 3 little 4 any
2. There is bread in the kitchen.
 1 little 2 few 3 many 4 a few
3. We did not have visitors this week.
 1 much 2 a lot 3 many 4 some
4. The students need to read books about history.
 1 many 2 a little 3 a lot 4 any
5. Children should drink milk.
 1 any 2 a few 3 a lot of 4 many
6. An endangered language is a language that has very speakers.
 1 little 2 a little 3 few 4 a few
7. Nowadays, languages are losing their native speakers.
 1 many 2 a lot 3 much 4 any
8. I think endangered languages are in Australia and South America.
 1 much 2 any 3 little 4 a lot of
9. This can save information and cultural values of people all around the world.
 1 many 2 a lot 3 few 4 a lot of
10. They may ask for two of water, a of sugar a of bread.
 1 loaves, bottle, bag 2 bottles, bag, loaf 3 bag, bottle, loaf 4 bag, loaf, bottle
11. In a coffeeshop, they may order a of tea, a of cake, or a of juice.
 1 piece, glass, cup 2 piece, cup, glass 3 cup, piece, glass 4 glass, piece, cup
12. The children had chicken soup.
 1 lots of 2 many 3 any 4 a few
13. I told him that I needed sugar.
 1 any 2 a few 3 a lot 4 some
14. Did the man buy sugar?
 1 some 2 many 3 any 4 few
15. How many of sugar did the man want?
 1 slices 2 pieces 3 bags 4 loaves
16. English has native speakers than Chinese.
 1 less 2 few 3 fewer 4 much
17. She has only pencils.
 1 few 2 a few 3 little 4 a little
18. There aren't pictures on the wall.
 1 some 2 much 3 a lot 4 any
19. researchers are now trying to protect endangered languages.
 1 Much 2 A lot 3 A little 4 Many
20. There are cars in the street.
 1 a lot of 2 much 3 a little 4 any

سطح متوسط

21. There are too mistakes in your homework.
 1 little 2 much 3 many 4 plenty
22. I borrowed notebooks.
 1 some 2 plenty 3 much 4 a little
23. How learning hints are suggested in the text?
 1 many 2 much 3 few 4 little
24. I am going to buy some
 1 loaf of bread 2 loaf of breads 3 loaves of bread 4 loaves of breads

25. There's never very news on Friday.
 1 many 2 much 3 few 4 plenty
26. There was so traffic that it took an hour for us to reach the school.
 1 many 2 much 3 few 4 a lot
27. Unfortunately, we had rain all summer.
 1 few 2 a few 3 many 4 little
28. If you save only money each week, you can go on holiday.
 1 a little 2 little 3 a few 4 few
29. There were interesting short stories in the library.
 1 much 2 a lot 3 a little 4 plenty of
30. My friend has information about computers.
 1 many 2 few 3 a lot of 4 any
31. Put salt and pepper on food to make it taste better.
 1 a few 2 a little 3 many 4 a lot
32. I used to have hobbies, but now I don't have free time.
 1 plenty of / some 2 a lot of / any 3 many / a few 4 much / any
33. My older brother and I used to play games together.
 1 a little 2 plenty 3 much 4 a lot of

سطح دشوار

34. In cities with pollution, people are healthier.
 1 less 2 few 3 many 4 fewer
35. Some buses are old and slow, and they cause too pollution.
 1 many 2 a few 3 a lot 4 much
36. There is traffic in Tehran.
 1 many 2 few 3 much 4 a lot
37. He's usually too busy to work in his garden, actually he pays attention to it.
 1 few 2 a few 3 a little 4 little
38. I had so homework to do that I couldn't watch TV last night.
 1 much 2 many 3 few 4 little
39. I play tennis quite in the summer.
 1 many 2 a few 3 a lot 4 plenty of
40. There was a lot of food, but I only ate
 1 few 2 a few 3 many 4 a little
41. We read a lot of poetries at school, but I remember very of them.
 1 little 2 few 3 many 4 a few
42. He never eats breakfast.
 1 many 2 a few 3 much 4 lots of
43. We had difficulties finding his house.
 1 a little 2 a lot 3 many 4 much
44. I have some information but not very
 1 much 2 many 3 plenty 4 a lot of
45. Which word order is wrong?
 1 The man is eating quickly his lunch. 2 We study English hard.
 3 I cooked the cake in the kitchen yesterday. 4 Nahid bought some books yesterday.
46. I had so letters to type that I couldn't watch TV.
 1 little 2 many 3 much 4 few
47. There was so noise that we could not hear anything.
 1 many 2 few 3 a few 4 much

48. Language teachers suggest you to do extra learning outside of school.

- 1 many 2 plenty of 3 a lot 4 a few

49. I had so money that I couldn't buy that book.

- 1 little 2 few 3 many 4 a little

50. I had so homework that I couldn't watch TV.

- 1 many 2 few 3 little 4 much



سطح ساده

51. Does life on other planets?

- 1 exist 2 add 3 move 4 imagine

52. We are living in the twenty-first

- 1 ability 2 culture 3 century 4 sign

53. What's the most sport in Iran?

- 1 oral 2 popular 3 ready 4 impossible

54. Farsi is a(an) language in Iran.

- 1 extra 2 international 3 native 4 foreign

55. We can't life without water.

- 1 move 2 invite 3 exchange 4 imagine

56. A: "Is Africa the largest of the world?"

B: "No, it isn't."

- 1 century 2 continent 3 planet 4 country

57. People use language to with each other in a society.

- 1 receive 2 disappear 3 communicate 4 consider

58. What do we call a large group of people who live together?

- We call them a

- 1 society 2 culture 3 media 4 region

59. Human's to talk makes him different from animals.

- 1 activity 2 ability 3 culture 4 hint

60. The price of seafood according to the season.

- 1 checks 2 receives 3 disappears 4 varies

61. We enjoy the weekend, the bad weather.

- 1 besides 2 as a result of 3 despite 4 because of

62. The gardener asked us to the grass.

- 1 keep off 2 turn on 3 keep on 4 turn off

63. This artist is quite among young people.

- 1 popular 2 loud 3 early 4 physical

64. In winter, birds fly to southern of the country.

- 1 continents 2 pieces 3 capitals 4 regions

65. Books and newspapers are useful to your English.

- 1 vary 2 improve 3 scan 4 notice

66. Farid all his classmates to his birthday party.

- 1 invited 2 invented 3 protected 4 developed

67. China makes up 18% of the world's population. "make up" means:

- 1 add 2 develop 3 seek 4 form

68. She had a lot of knowledge and in her job.
 1 experience 2 culture 3 space 4 experiment
69. Our teacher usually the new words to us.
 1 explains 2 develops 3 protects 4 interviews
70. Hasti speaks five languages well and
 1 largely 2 fluently 3 terribly 4 wrongly
71. I've never played chess before. I'm a(an) beginner.
 1 suitable 2 useful 3 absolute 4 frequent
72. Steak is my food. I like it very much.
 1 extra 2 favorite 3 oral 4 quiet
73. In the weeks that followed , his health continued to
 1 improve 2 escape 3 sing 4 move
74. The boss told us to answer the questions correctly and
 1 honestly 2 wrongly 3 largely 4 probably
75. This book gives you information about the history of Iran.
 1 loud 2 quiet 3 valuable 4 endangered
76. You can a newspaper to look for specific information.
 1 exchange 2 scan 3 develop 4 imagine
77. All languages can the needs of their own speakers.
 1 meet 2 scan 3 quit 4 seek
78. Reza wears dark glasses to his eyes from the sunlight.
 1 scan 2 develop 3 protect 4 move
79. Amir has decided to some money each month to buy a computer.
 1 respect 2 quit 3 save 4 protect
80. the Holy Quran is in more than 100 languages.
 1 probable 2 available 3 physical 3 confident
81. I usually the net in my free time.
 1 invite 2 surf 3 host 4 sing
82. It was very cold, so I asked for a(an) blanket.
 1 extra 2 loud 3 oral 4 honest
83. You must the television when you want to study your lessons.
 1 put on 2 turn on 3 turn off 4 turn up
84. Those languages that have very few speakers are languages.
 1 endangered 2 international 3 available 4 extra

سطح متوسط

85. The police are looking for a woman who on Sunday.
 1 varied 2 disappeared 3 ranged 4 remembered
86. Scientists try to know if water really on Mars.
 1 sings 2 escapes 3 disappears 4 exists
87. In the future, wind power can the needs of the world.
 1 develop 2 seek 3 meet 4 quit
88. Deaf people can communicate with others by of sign language.
 1 means 2 grades 3 slices 4 periods
89. People knowledge, beliefs, and feelings through language.
 1 endanger 2 respect 3 scan 4 exchange

Cloze 1

Some animals, such as dinosaurs, had no chance to(161)..... No one knows(162)..... why they died out. Other animals have(163)..... completely. Some were killed. Others were destroyed by (164)..... or by changes in climate.

- | | | | |
|---|------------------------------------|--------------------------------------|----------------------------------|
| 161. <input type="checkbox"/> forecast | <input type="checkbox"/> discover | <input type="checkbox"/> improve | <input type="checkbox"/> develop |
| 162. <input type="checkbox"/> exactly | <input type="checkbox"/> luckily | <input type="checkbox"/> recently | <input type="checkbox"/> simply |
| 163. <input type="checkbox"/> increased | <input type="checkbox"/> stretched | <input type="checkbox"/> disappeared | <input type="checkbox"/> injured |
| 164. <input type="checkbox"/> medicine | <input type="checkbox"/> disease | <input type="checkbox"/> chemical | <input type="checkbox"/> sign |

Cloze 2

Everyday of your life, you use a kind of computer-your brain. Your brain tells you when you are hungry. It helps you(165)..... to work and to remember things, but sometimes we need to calculate(166)..... more quickly than our brains can(167)..... and be sure that the answer is correct. This is when we need computers which can solve problems and(168)..... the most difficult calculations with amazing speed and (169)..... Computers are specially useful for storing(170)..... information. They communicate with you by(171)..... messages or pictures into a screen or sometimes they talk to you.

- | | | | |
|--|-------------------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|
| 165. <input type="checkbox"/> to move | <input type="checkbox"/> moving | <input type="checkbox"/> moved | <input type="checkbox"/> moves |
| 166. <input type="checkbox"/> too | <input type="checkbox"/> far | <input type="checkbox"/> very | <input type="checkbox"/> so |
| 167. <input type="checkbox"/> invest | <input type="checkbox"/> escape | <input type="checkbox"/> manage | <input type="checkbox"/> survive |
| 168. <input type="checkbox"/> carry | <input type="checkbox"/> carry on | <input type="checkbox"/> carry out | <input type="checkbox"/> keep |
| 169. <input type="checkbox"/> anxiety | <input type="checkbox"/> occurrence | <input type="checkbox"/> emergency | <input type="checkbox"/> accuracy |
| 170. <input type="checkbox"/> a lot of | <input type="checkbox"/> any | <input type="checkbox"/> many | <input type="checkbox"/> a few |
| 171. <input type="checkbox"/> imposing | <input type="checkbox"/> consuming | <input type="checkbox"/> exporting | <input type="checkbox"/> flashing |

Cloze 3

One of the problems that engineers(172)..... when designing a skyscraper is the strength of the wind. A skyscraper may sway in a strong wind, so it must.....(173)..... in place by a strong frame and deep (174)..... steel and concrete are two most important materials(175)..... in building skyscrapers. Neither material is strong enough on its own to(176)..... the building, but steel is strong under(177)..... and concrete is strong under compression.

- | | | | |
|---|--------------------------------------|--------------------------------------|-------------------------------------|
| 172. <input type="checkbox"/> promote | <input type="checkbox"/> face | <input type="checkbox"/> form | <input type="checkbox"/> construct |
| 173. <input type="checkbox"/> be held | <input type="checkbox"/> held | <input type="checkbox"/> hold | <input type="checkbox"/> be holding |
| 174. <input type="checkbox"/> elevators | <input type="checkbox"/> rays | <input type="checkbox"/> gases | <input type="checkbox"/> foundation |
| 175. <input type="checkbox"/> use | <input type="checkbox"/> used | <input type="checkbox"/> in used | <input type="checkbox"/> using |
| 176. <input type="checkbox"/> destroy | <input type="checkbox"/> damage | <input type="checkbox"/> support | <input type="checkbox"/> injure |
| 177. <input type="checkbox"/> expansion | <input type="checkbox"/> destruction | <input type="checkbox"/> consumption | <input type="checkbox"/> tension |

Cloze 4

Once there was an old king. He asked all his(178)..... men to summarize all the (179) in the world into one library, and then into one book. Years later they returned with the(180)..... book and he told them so summarize it into one chapter, then one page, and then one sentence. By the time this was done, there was only one very old man still alive. The king told him to summarize the sentence into one word. He spent years on the (181)..... and he was dying he wrote down the one word and died, but no one could read the old man's writing.

- | | | | |
|--|-----------------------------------|------------------------------------|----------------------------------|
| 178. <input type="checkbox"/> public | <input type="checkbox"/> wise | <input type="checkbox"/> proud | <input type="checkbox"/> global |
| 179. <input type="checkbox"/> labor | <input type="checkbox"/> industry | <input type="checkbox"/> knowledge | <input type="checkbox"/> density |
| 180. <input type="checkbox"/> domestic | <input type="checkbox"/> distance | <input type="checkbox"/> explicit | <input type="checkbox"/> single |
| 181. <input type="checkbox"/> task | <input type="checkbox"/> field | <input type="checkbox"/> document | <input type="checkbox"/> fuel |

Cloze 5

Are people from different cultures really very different? Imagine that you have a(an) (182)..... from another part of the world. How would you (183)..... your culture to him? Or the way people behave (184)..... at school and at work? Could you describe how (185)..... system works?

- | | | | |
|--|------------------------------------|--------------------------------------|-----------------------------------|
| 182. <input type="checkbox"/> inventor | <input type="checkbox"/> clerk | <input type="checkbox"/> editor | <input type="checkbox"/> visitor |
| 183. <input type="checkbox"/> allow | <input type="checkbox"/> explain | <input type="checkbox"/> avoid | <input type="checkbox"/> refer |
| 184. <input type="checkbox"/> socially | <input type="checkbox"/> brightly | <input type="checkbox"/> silently | <input type="checkbox"/> finally |
| 185. <input type="checkbox"/> mental | <input type="checkbox"/> emotional | <input type="checkbox"/> educational | <input type="checkbox"/> physical |

Passages

درک مطلب‌ها

passage 1

Recent technological changes are making modern medicine a more popular and exciting field than ever before. First, new technology is now available to modern (disease detectives), doctors and scientists who are putting together clues to solve medical mysteries – that is, to find out the answers to questions of health and sickness. Second, knowledge of genetics may prevent or cure birth problems and genetic illnesses. Third, successful transplants of the heart and other organs of the body are much more common than they were ten or twenty years ago.

186. We understand from this passage that

- ☐ modern medicine is a very popular and exciting field.
- ☐ new technology has changed all fields especially medicine.
- ☐ all medical mysteries have been solved nowadays.
- ☐ knowledge of genetics tries to find out the answers to questions of birth.

187. This text says that

- ☐ transplant of heart is a possibility now.
- ☐ transplant is not as much common as twenty years ago.
- ☐ new technology puts organs together to solve problems
- ☐ the knowledge of genetics is not related to birth problems.

188. The word “prevent” means

- ☐ consist
- ☐ insist
- ☐ step
- ☐ stop

189. The word “illness” means

- ☐ happiness
- ☐ sickness
- ☐ anxiety
- ☐ health

passage 2

The railway made it possible to carry goods and people overland for long distances at high speed. Railways were first built in Great Britain and in the 19th century, as the Industrial Revolution developed, the railways were the most important and the fastest growing form of transport.

There were railways long before there were railway engines or “locomotives”. As early as the 16th century, rail – ways made of wood were used to convey wagons loaded with coal from the mines in Durham and Northumberland in northeast England. It was found that horses could pull heavier loads along a smooth track than a rough road. Later, iron plates were used to protect the wood and around 1800 L – shaped rails came into use for guiding the wagon wheels. These “plate ways” and “tramways” were also used in South Wales and it was there in 1804 that the Cornish mine owner Richard Trevithick worked on a steam locomotive able to pull a load of 20 tones (22 US tons). With the development of the steam engine, the way was open for the start of the railway age.

190. Which sentence about railways is NOT true?

- ☐ Railways carried people at high speed.
- ☐ Railways made it possible to carry things far away.
- ☐ There were railways and then railway engines were made
- ☐ The railway was built in Great Britain long after the Industrial Revolution.

191. The word "convey" in the 2th paragraph is closest in meaning to
- ☐ 1 carry ☐ 2 stretch ☐ 3 control ☐ 4 follow
192. As wagon – ways made of wooden rails were used,
- ☐ 1 Iron plates were protected by the wood.
☐ 2 Railway engines were used to convey the rails.
☐ 3 Horses were found to pull heavier loads along smooth tracks.
☐ 4 The mines in Durham and Northumberland were found.
193. What happened when the steam engine was made?
- ☐ 1 The railway age began.
☐ 2 L – shaped rails came into use to guide the wagon wheels.
☐ 3 The "plate ways" and "tramways" were used in South Wales until 1804.
☐ 4 Richard Trevithick worked on a steam locomotive weighing 20 tones.
194. The passage is mainly about
- ☐ 1 the railway engine ☐ 2 the wagon wheels
☐ 3 the Industrial Revolution ☐ 4 the development of railways

passage 3

It was very difficult to find jobs in the north – east of England, and when Jon lost his, job he found it impossible to get a new one. He had soon spent all his money, so he decided to go down to the south of the country, where he had heard that things were better and that it was easier to find job. The best way to go was by train. So he went to the railway station and got into a train which was going to London.

He was the only passenger in his compartment when another man burst in carrying a gun and said to him, "your money, or your life!", "I haven't got a penny", John answered in fright. "Then why are you trembling so much?" , the man with the gun asked angrily. "Because I thought you were the ticket collector, and I haven't even got a ticket", answered John.

195. Which statement is true?
- ☐ 1 He traveled to the southern part to find a job. ☐ 2 He bought a ticket and went by train.
☐ 3 He heard that there were no jobs in the south. ☐ 4 He went down to the south of the country on holiday.
196. John was trembling because.....
- ☐ 1 the man had a gun in his hand. ☐ 2 the man wanted to kill him.
☐ 3 he didn't like to lose his life in the train. ☐ 4 he thought that the man was the ticket – collector
197. The underlined word "burst in" in the second paragraph means.....
- ☐ 1 to move suddenly or quickly ☐ 2 to cry very loud.
☐ 3 to go into a place quietly. ☐ 4 to shout at somebody loudly.

passage 4

Edison, Thomas Alva (1847–1931), an American scientist, was one of the world's greatest inventors: he was born in Milan, Ohio in the United States. As a boy he had a great deal of imagination and curiosity, and was taken away from school because the teacher thought his continual questions were a sign of stupidity. His first great interest was chemistry and he read all he could about it: he was only ten when he began to grow and sell vegetables so that he could buy chemical to do experiments at home when he was twelve years old he began to sell magazines and fruit on a train. He then decided to learn telegraphy and worked in several telegraph offices. Then he had the chance to walk into the building of a telegraph company just as the telegraph stopped working. Soon afterwards he made a large sum of money by selling his design for a telegraphic instrument known as a stock checker, which relayed information about share prices from stock markets. He then began on his own and set up a workshop and laboratory for making stock checkers and for working on his other inventions. He also helped to make the first successful typewriter and found a way of sending as many as six messages together over the same telegraph wire without getting them mixed up. He was very proud of having invented the gramophone in 1877.

198. Edison stopped studying at school, for
- ☐ 1 he did not study well.
☐ 2 his mother wanted him to do so.
☐ 3 the teacher thought he would not make progress at school.
☐ 4 he had a great imagination and curiosity.

آزمون ۱ (درس اول)

بازه

VOCABULARY

(الف) کدام کلمه با بقیه متفاوت است.

1/5

213. region / port / area / planet
214. Iran / India / China / England
215. world / continent / country / Asia
216. achieve / lose / gain / get
217. hundred / million / many / ten
218. bottle / bar / meat / bag

(ب) جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید. (یک کلمه اضافی است).

(certainly - make mistakes - wish - exist - range - make up)

2/5

219. We need one more person to a team .
220. I'm sure that you will get your
221. They will win the game.
222. Don't worry; we all
223. There is no sign that life on other planets.

(پ) برای هر جمله در ستون اول یک کلمه را از ستون مقابل پیدا کنید. (یک کلمه اضافی است).

1/5

224.
a. A large group of people who live together. despite
b. A period of 100 years. ability
c. The physical or mental power or skill to do something. society
d. The way in which 2 or more people feel and behave towards each other. relationship
e. without any notice of. gain
f. to value something. century
appreciate

(ت) مترادف و متضاد کلمات زیر را بنویسید.

1

225. a. native ≠ b. popular = c. region = d. vary ≠

(ث) گزینه مناسب را انتخاب کنید.

2

226. Persian is Amir's language.
a) region b) native c) range d) popular
227. We live in an Islamic
a) century b) range c) society d) continent
228. Our teacher speaks English
a) ability b) interview c) native d) fluently
229. You can talk to the deaf sign language.
a) by means of b) make up c) mother tongue d) host

GRAMMAR

ج) جملات به هم ریخته زیر را مرتب کنید.

230. bread / much / your / mother / does / how / need / ?

.....

231. like / I / to / drink / of / water / glass / a / .

.....

3

232. cars / are / lots of / there / in / street / the / ?

.....

233. has / she / two / thirty / classmates / her class / in / .

.....

234. my friends / saw / a lot of / chickens / the / in / yard / .

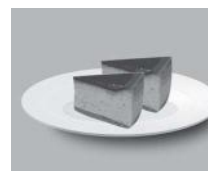
.....

235. street / in / the / cars / there / are / how many / ?

.....

ج) با توجه به تصاویر داده شده جملات زیر را کامل کنید.

2



236. I bought

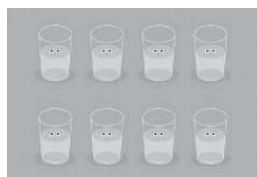
237. There are

238. There is

239. Mahsa is going to eat

ج) جملات زیر را با واحدها و مقیاس‌های مناسب کامل کنید.

1/25



240. We should drink every day. (water)

241. I eat every week. (cake)

242. My father buys every month. (meat)

243. I eat for breakfast. (bread)

244. She ate Yesterday. (melon)

خ) زیر لغت مناسب خط بکشید.

1/25

245. The students need to read (many / much) books about history.

246. Please buy (a loaf of / a bottle of) bread for breakfast.

247. Children should drink (a lot of / a few) milk.

248. We did not have (much / many) visitors this week.

249. Could you please bring one (glass of / piece of) water?

WRITING

د) جملات زیر را بخوانید سپس فاعل‌ها را با (S)، مفعول‌ها را با (O)، افعال را با (V) و قیدها را با (adv) مشخص کنید.

2/5

250. The man is eating lunch quickly.
251. We study English hard.
252. The old woman fell down.
253. The baby laughed very loudly.
254. I cooked the cake in the kitchen last Sunday.

CLOZE TEST

ذ) متن زیر را بخوانید و جاهای خالی را پر کنید.

2/5

The first language you learn to speak is your(255)..... language. As a baby, you listened to your parents or other people speaking, and then limited the sounds you heard. Babies seem to be born with alone(256)..... to learn the language they hear.

Native speakers learn as children to use the right words and arrange them in the right order(257)..... even thinking about it. If English is your native language, you know automatically that "I going bed" is wrong but "I am going to bed" is right.

Young children can learn a new language(258)....., but as people grow older, it becomes more different to learn new languages. Little by little people(259)..... the ability to learn the grammar and pronounce the sounds of another language.

- | | | | |
|--------------------|-------------|----------------|-------------|
| 255. a) native | b) valuable | c) popular | d) absolute |
| 256. a) experience | b) tongue | c) institute | d) ability |
| 257. a) around | b) without | c) by | d) beside |
| 258. a) very easy | b) so easy | c) very easily | d) easy |
| 259. a) exchange | b) lose | c) master | d) gian |

READING

ر) متن زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

3

The only thing, I was looking for was a bag of sugar. There were four types of sugar, I picked the bags and read the explanations: honestly, I didn't understand their differences. A young man came to me and asked what I wanted. I told him, I need some sugar for breakfast. He gives me some information. Again, I didn't understand the differences. I took pictures of the explanations, sat somewhere, and cheeked the explanations in my mobile dictionary. At last, I understood what type of sugar, I need to buy!

260. How many bags of sugar did the man want?
.....
261. Did the man buy any tea?
.....
262. How did he understand the explanations?
.....



پاسخنامه

درس اول

۱. گزینه ۲ چون «apple» یک اسم قابل شمارش است، پس «many» صحیح است.
۲. گزینه ۱ چون «bread» یک اسم غیر قابل شمارش است، پس با توجه به معنی و مفهوم جمله از «little» استفاده می‌کنیم.
۳. گزینه ۳ چون «visitors» جزء اسم‌های قابل شمارش است، پس «many» پاسخ صحیح است.
۴. گزینه ۱ چون «books» یک اسم قابل شمارش است، پس باید قبل از آن «many» که یکی از صفات کمی برای اسامی قابل شمارش است استفاده شود.
۵. گزینه ۳ چون «milk» یک اسم غیر قابل شمارش است و در بین گزینه‌ها «a lot of» به معنی مقدار زیادی، تعداد زیادی هم برای اسامی قابل شمارش و هم غیر قابل شمارش استفاده می‌شود.
۶. گزینه ۳ چون «speakers» یک اسم قابل شمارش است، پس «few» به معنی «تعداد ناچیز» گزینه صحیح است. به علاوه این جمله حالت منفی دارد، پس «few» گزینه صحیح است.
۷. گزینه ۱ چون بعد از نقطه چین اسم قابل شمارش «languages» را داریم، پس قبل از آن باید صفت کثی «many» استفاده شود.
۸. گزینه ۴ چون بعد از نقطه چین (اسم قابل شمارش + صفت) داریم، پس در اینجا از «a lot of» استفاده می‌کنیم. که هم برای اسامی قابل شمارش و هم غیر قابل شمارش استفاده می‌شود، ولی در اینجا با توجه به دیگر گزینه‌ها پاسخ صحیح «a lot of» است.
۹. گزینه ۴ چون «information» یک اسم غیر قابل شمارش است «values» نیز یک اسم قابل شمارش جمع، پس باید از صفت کمی مشترک «a lot of» استفاده کنیم.
۱۰. گزینه ۲ با توجه به واحدهای اندازه‌گیری برای اسامی غیر قابل شمارش برای «water» کلمه «bottle»، برای «sugar» کلمه «bag» و برای «bread» کلمه «loaf» را می‌گذاریم.
معنی: «آنها ممکن است دو بطری آب، یک کیسه شکر، یک قرص نان درخواست کنند».
۱۱. گزینه ۳ با توجه به واحدهای اندازه‌گیری برای اسامی غیر قابل شمارش برای «tea» کلمه «cup»، برای «cake» کلمه «piece» و برای «juice» کلمه «glass» است.
۱۲. گزینه ۱ چون «chicken soup» سوپ مرغ یک اسم غیر قابل شمارش است و با توجه به گزینه‌ها «lots of» پاسخ صحیح است.
۱۳. گزینه ۴ «some» به معنی مقداری یا تعدادی هم برای اسامی قابل شمارش جمع و غیر قابل شمارش به کار می‌رود، هم چنین با توجه به این که جمله مثبت است از «some» استفاده می‌کنیم.
۱۴. گزینه ۳ چون جمله سؤالی است و این که «sugar» یک اسم غیر قابل شمارش است، پس باید از «any» به معنی هیچ مقدار استفاده کرد.
۱۵. گزینه ۳ بعد از «many» که از صفات کمی است، می‌توان از اسم قابل شمارش استفاده کرد و با توجه به دیگر گزینه‌ها «bags» به عنوان یک اسم قابل شمارش صحیح است.
۱۶. گزینه ۳ در این سؤال «fewer» صحیح می‌باشد، چون اول این که جمله حالت منفی دارد، پس «few» گزینه صحیح است و دوم این که با توجه به ساختار جمله و کلمه «than» باید در نقطه چین از صفت تفصیلی استفاده کنیم.
۱۷. گزینه ۲ چون قبل از نقطه چین «only» داریم، پس جواب «a few» است.
۱۸. گزینه ۴ با توجه به این که «any» به معنی «هیچ مقدار یا هیچ تعداد» برای هم اسامی غیر قابل شمارش و هم قابل شمارش جمع در جملات منفی و سؤالی به کار می‌رود، پس «any» صحیح است.
۱۹. گزینه ۴ چون بعد از نقطه چین اسم قابل شمارش «researchers» را داریم، پس باید قبل از آن «many» را قرار دهیم.

۲۰. گزینه ۱ چون «car» یک اسم قابل شمارش است، پس بهتر است از «a lot of» را استفاده می‌کنیم.
۲۱. گزینه ۳ چون «mistakes» یک اسم قابل شمارش است، پس قبل از آن از «many» استفاده می‌کنیم.
۲۲. گزینه ۱ چون اسم بعد از نقطه چین قابل شمارش است، پس از «some» استفاده می‌کنیم.
۲۳. گزینه ۱ بعد از «how» یکی از دو صفات کمی را قرار می‌دهیم «many» و «much» به همین دلیل بعد از نقطه چین «hints» اسم قابل شمارش داریم، پس «many» صحیح است.
۲۴. گزینه ۳ some اسم‌های قابل شمارش جمع و یا غیر قابل شمارش به کار می‌رود، چون در اینجا loaf یک اسم قابل شمارش است بعد از some اسم جمع قابل شمارش به کار می‌رود، پس loaves پاسخ صحیح است و اسم بعد از loaves هم باید به صورت مفرد «bread» بیاید.
۲۵. گزینه ۲ چون «news» یک اسم غیر قابل شمارش است و با توجه به دیگر گزینه‌ها «much» پاسخ صحیح است.
۲۶. گزینه ۲ چون «traffic» یک اسم غیر قابل شمارش است قبل از آن از «much» استفاده می‌کنیم.
۲۷. گزینه ۴ چون «rain» اسم غیر قابل شمارش است و با توجه به دیگر گزینه‌ها، پاسخ صحیح «little» است.
۲۸. گزینه ۱ چون «money» یک اسم غیر قابل شمارش است و این که قبل از نقطه چین only داریم پس «a little» صحیح است.
۲۹. گزینه ۴ چون «stories» یک اسم قابل شمارش است و با توجه به کاربرد گزینه‌ها «plenty of» پاسخ صحیح است.
۳۰. گزینه ۳ چون «information» یک اسم غیر قابل شمارش است و با توجه به کاربرد دیگر گزینه‌ها «a lot of» صحیح است.
۳۱. گزینه ۲ چون «salt» و «pepper» جزء اسامی غیر قابل شمارش هستند گزینه صحیح «a little» است.
۳۲. گزینه ۲ چون بعد از نقطه چین اول اسم قابل شمارش داریم، جمله وابسته دوم نیز منفی است به این ترتیب در نقطه چین اول «a lot of» و در نقطه چین دوم «any» را می‌گذاریم.
۳۳. گزینه ۴ چون «game» جزء اسم‌های قابل شمارش است و دیگر گزینه‌ها از صفات کمی‌ای هستند که قبل از اسم‌های غیر قابل شمارش می‌آیند، پس «a lot of» صحیح است.
۳۴. گزینه ۱ چون «pollution» یک اسم غیر قابل شمارش است، با توجه به دیگر گزینه‌ها «less» جواب صحیح است.
۳۵. گزینه ۴ چون «pollution» یک اسم غیر قابل شمارش است، قبل از آن از «much» استفاده می‌کنیم.
۳۶. گزینه ۳ چون «traffic» یک اسم غیر قابل شمارش است، پس قبل از آن در نقطه چین «much» می‌آید.
۳۷. گزینه ۴ چون جمله حالت منفی دارد و این که «attention» یک اسم غیر قابل شمارش است، پس «little» صحیح است.
۳۸. گزینه ۱ چون «homework» جزء اسامی غیر قابل شمارش است و این که جمله حالت مثبت دارد، پس با مقایسه گزینه‌ها به این نتیجه می‌رسیم که «much» گزینه صحیح است.
۳۹. گزینه ۳ چون بعد از «a lot» اسم به کار نمی‌رود، پس پاسخ صحیح گزینه (۳) است.
۴۰. گزینه ۴ چون قبل از نقطه چین «only» داریم و غذا هم جزء اسامی غیر قابل شمارش است، پس «a little» پاسخ صحیح است.
۴۱. گزینه ۲ چون «poetry» یک اسم قابل شمارش است و با توجه به این که جمله حالت منفی دارد، پس پاسخ صحیح «few» است.

۴۲. **گزینه ۳** چون «breakfast» یک اسم غیر قابل شمارش است و با مقایسه دیگر گزینه‌ها «much» پاسخ صحیح است.
۴۳. **گزینه ۳** چون «difficulty» یک اسم قابل شمارش است، پس «many» گزینه صحیح است.
۴۴. **گزینه ۱** چون «much» به همراه اسامی غیر قابل شمارش می‌آید، پس پاسخ صحیح گزینه (۱) است.
۴۵. **گزینه ۱** جمله اول غلط است، چون قید حالت باید در آخر جمله بیاید.
۴۶. **گزینه ۲** چون «letters» یک اسم قابل شمارش جمع است، پس در نقطه چین صفت کمی «many» را می‌گذاریم.
۴۷. **گزینه ۴** چون «noise» یک اسم غیر قابل شمارش است، پس «much» گزینه صحیح است.
۴۸. **گزینه ۲** چون بعد از نقطه چین اسم نداریم پس گزینه صحیح «plenty of» است.
۴۹. **گزینه ۱** چون «money» یک اسم غیر قابل شمارش است و جمله هم حالت منفی دارد که پس از «little» استفاده می‌کنیم.
۵۰. **گزینه ۴** چون «homework» یک اسم غیر قابل شمارش است با توجه به معنی جمله از «much» استفاده می‌کنیم.
۵۱. **گزینه ۱** «آیا زندگی در سیارات دیگر وجود دارد؟»
(۱) وجود داشتن / (۲) اضافه کردن / (۳) حرکت کردن / (۴) تصور کردن
۵۲. **گزینه ۳** «ما در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم.»
(۱) توانایی / (۲) فرهنگ / (۳) قرن / (۴) علامت، نشانه
۵۳. **گزینه ۲** «برطرفدارترین ورزش در ایران چیست؟»
(۱) شفا / (۲) برطرفدار، محبوب / (۳) آماده / (۴) غیر ممکن
۵۴. **گزینه ۳** «فارسی در ایران یک زبان اصلی است.»
(۱) اضافی / (۲) بین‌المللی / (۳) اصلی، بومی / (۴) خارجی
۵۵. **گزینه ۴** «ما نمی‌توانیم زندگی را بدون آب تصور کنیم.»
(۱) حرکت دادن، حرکت کردن / (۲) دعوت کردن / (۳) مبادله کردن / (۴) تصور کردن
۵۶. **گزینه ۲** A: «آیا آفریقا بزرگ‌ترین قاره جهان است؟»
B: «خیر، نیست.»
(۱) قرن / (۲) قاره / (۳) سیاره / (۴) کشور
۵۷. **گزینه ۳** «مردم از زبان برای برقرار کردن ارتباط با هم در یک جامعه استفاده می‌کنند.»
(۱) دریافت کردن / (۲) ناپدید شدن / (۳) ارتباط برقرار کردن / (۴) در نظر گرفتن، بررسی کردن
۵۸. **گزینه ۱** «گروه بزرگی از مردم را که با هم زندگی می‌کنند را چه می‌نامیم؟»
«آن را جامعه می‌نامیم.»
(۱) جامعه / (۲) فرهنگ / (۳) رسانه / (۴) منطقه
۵۹. **گزینه ۲** «توانایی صحبت کردن انسان، او را از دیگر حیوانات متفاوت می‌سازد.»
(۱) فعالیت / (۲) توانایی / (۳) فرهنگ / (۴) نکته، اشاره
۶۰. **گزینه ۴** «قیمت مواد غذایی دریایی طبق فصل متفاوت است.»
(۱) چک کردن / (۲) دریافت کردن / (۳) ناپدید شدن / (۴) فرق داشتن، تغییر کردن
۶۱. **گزینه ۳** «علی رغم هوای بد، از آخر هفته لذت بردیم.»
(۱) علاوه بر / (۲) در نتیجه / (۳) علی‌رغم / (۴) به علت
۶۲. **گزینه ۱** «باغبان از ما خواست که وارد چمن نشویم.»
(۱) وارد نشدن / (۲) روشن کردن / (۳) ادامه دادن / (۴) خاموش کردن
۶۳. **گزینه ۱** «این هنرمند کاملاً در میان جوانان محبوب و پرطرفدار است.»
(۱) محبوب، پرطرفدار / (۲) بلند / (۳) زود / (۴) جسمی

۶۴. **گزینه ۴** «در زمستان، پرنده‌ها به مناطق جنوبی کشور پرواز می‌کنند.»
(۱) قاره‌ها / (۲) تکه‌ها / (۳) پایتخت‌ها / (۴) مناطق
۶۵. **گزینه ۲** «کتاب و روزنامه برای بهتر شدن انگلیسی شما مفید است.»
(۱) متفاوت بودن / (۲) بهتر شدن / (۳) نگاه اجمالی انداختن / (۴) متوجه شدن
۶۶. **گزینه ۱** «فرید همه همکلاسی‌های خود را به جشن تولدش دعوت کرد.»
(۱) دعوت کردن / (۲) اختراع کردن / (۳) محافظت کردن / (۴) توسعه دادن
۶۷. **گزینه ۴** «چین ۱۸ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد.»
«make up» یعنی:
(۱) اضافه کردن / (۲) توسعه دادن / (۳) جست‌وجو کردن / (۴) تشکیل دادن
۶۸. **گزینه ۱** «او دانش و تجربه زیادی در کارش داشت.»
(۱) تجربه / (۲) فرهنگ / (۳) فضا / (۴) آزمایش
۶۹. **گزینه ۱** «معلم ما معمولاً کلمات جدید را برای ما توضیح می‌دهد.»
(۱) توضیح دادن / (۲) توسعه دادن / (۳) محافظت کردن / (۴) مصاحبه کردن
۷۰. **گزینه ۲** «هستی پنج زبان را خوب و سپس و روان صحبت می‌کند.»
(۱) عمدتاً / (۲) سپس و روان / (۳) شدیداً، خیلی بد / (۴) به غلط
۷۱. **گزینه ۳** «من قبلاً هرگز شطرنج بازی نکردم، یک مبتدی مطلق هستم.»
(۱) مناسب / (۲) مفید / (۳) مطلق، کامل / (۴) مکرر
۷۲. **گزینه ۲** «استیک غذای مورد علاقه من است، آن را خیلی دوست دارم.»
(۱) اضافی / (۲) مورد علاقه، مطلوب / (۳) شفا / (۴) آرام
۷۳. **گزینه ۱** «در هفته‌هایی که آمد، بهبودی در سلامت او ادامه یافت.»
(۱) بهبود یافتن / (۲) فرار کردن / (۳) آواز خواندن / (۴) حرکت کردن
۷۴. **گزینه ۱** «رئیس به ما گفت که سؤالات را به‌طور صحیح و صادقانه پاسخ دهیم.»
(۱) صادقانه / (۲) به‌طور غلط / (۳) عمدتاً / (۴) احتمالاً
۷۵. **گزینه ۳** «این کتاب اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ ایران به شما می‌دهد.»
(۱) بلند / (۲) آرام / (۳) ارزشمند / (۴) در معرض خطر
۷۶. **گزینه ۲** «شما می‌توانید به یک روزنامه نگاه اجمالی بیندازید تا اطلاعات خاصی را جست‌وجو کنید.»
(۱) مبادله کردن / (۲) نگاه اجمالی انداختن / (۳) توسعه دادن / (۴) تصور کردن
۷۷. **گزینه ۱** «همه زبان‌ها می‌توانند نیازهای سخنگویان خود را تأمین کنند (برآورده کنند).»
(۱) برآورده کردن / (۲) نگاه اجمالی انداختن / (۳) رها کردن / (۴) جست‌وجو کردن
۷۸. **گزینه ۳** «رضا عینک تیره می‌زند تا چشم‌هایش را از نور خورشید محافظت کند.»
(۱) نگاه اجمالی انداختن / (۲) توسعه دادن / (۳) محافظت کردن / (۴) حرکت کردن
۷۹. **گزینه ۳** «امیر تصمیم گرفته است که هر ماه مقداری پول برای خریدن یک کامپیوتر پس‌انداز کند.»
(۱) احترام گذاشتن / (۲) رها کردن / (۳) پس‌انداز کردن، نجات دادن / (۴) محافظت کردن
۸۰. **گزینه ۲** «قرآن به بیش از ۱۰۰ نوع زبان در دسترس است.»
(۱) احتمالی / (۲) موجود، در دسترس / (۳) جسمانی / (۴) مطمئن
۸۱. **گزینه ۲** «من معمولاً در وقت آزادم در اینترنت جست‌وجو می‌کنم.»
(۱) دعوت کردن / (۲) جست‌وجو کردن / (۳) میزبانی کردن / (۴) آواز خواندن
۸۲. **گزینه ۱** «هوا خیلی سرد بود، بنابراین یک پتوی اضافی تقاضا کردم.»
(۱) اضافی / (۲) بلند / (۳) شفا / (۴) صادق، درستکار
۸۳. **گزینه ۳** «باید تلویزیون را هنگام مطالعه درس‌هایتان خاموش کنید.»
(۱) پوشیدن / (۲) روشن کردن / (۳) خاموش کردن / (۴) بالا بردن صدا
۸۴. **گزینه ۱** «آن زبان‌هایی که سخن‌گوهای بسیار کمی دارند، جزء زبان‌های در معرض خطر هستند.»
(۱) در معرض خطر / (۲) بین‌المللی / (۳) موجود، در دسترس / (۴) اضافی

روزی روزگاری پادشاه پیری بود. او از تمام مردان خردمند خود خواست تا تمام دانش جهان را در یک کتابخانه و سپس به صورت یک کتاب خلاصه کنند. سال‌ها بعد آن‌ها با یک کتاب برگشتند و او به آن‌ها گفت: آن کتاب را در یک فصل خلاصه کنند. سپس به صورت یک صفحه خلاصه کنند و سپس به صورت یک جمله درآورند. تا زمانی که این کار انجام شد. فقط یک مرد خیلی پیری زنده مانده بود. پادشاه به او گفت: جمله را به صورت یک کلمه خلاصه کند. او سال‌ها صرف این کار کرد و دیگر داشت می‌مرد، او آن کلمه را نوشت و مرد، اما هیچ کس نتوانست دست خط آن پیرمرد را بخواند.

۱۷۸. گزینه ۲ (۱) عمومی (۲) عاقل، خردمند (۳) مغرور (۴) جهانی

۱۷۹. گزینه ۳ (۱) کار (۲) صنعت (۳) دانش (۴) تراکم

۱۸۰. گزینه ۴ (۱) داخلی، خانگی (۲) فاصله (۳) آشکار (۴) یک، فرد

۱۸۱. گزینه ۱ (۱) کار (۲) رشته، زمینه (۳) سند (۴) سوخت

ترجمه متن ۵

آیا مردم از فرهنگ‌های مختلف واقعاً خیلی متفاوت هستند؟ تصور کنید که شما مهمانی (مسافری) از یک قسمت دیگر جهان دارید. چطور فرهنگ خود را برای او توضیح می‌دهید؟ یا طرز رفتار مردم از نظر اجتماعی در مدرسه یا سرکار؟ آیا می‌توانید نحوه عملکرد نظام آموزشی را توصیف کنید؟

۱۸۲. گزینه ۴ (۱) مخترع (۲) کارمند (۳) ویراستار (۴) مهمان، مسافر

۱۸۳. گزینه ۲ (۱) اجازه‌دادن (۲) توضیح‌دادن (۳) دوری کردن (۴) اشاره کردن

۱۸۴. گزینه ۱ (۱) از نظر اجتماعی (۲) به روشنی (۳) به آرامی، با سکوت (۴) سرانجام

۱۸۵. گزینه ۳ (۱) ذهنی، روحی (۲) عاطفی (۳) آموزشی، تحصیلی (۴) جسمی

درك مطلب

ترجمه متن ۱

تغییرات اخیر مربوط به فن‌آوری، پزشکی نوین را بیش از پیش رشته‌ای پرطرفدار و هیجان‌انگیز ساخته است. اولاً اکنون فن‌آوری جدید در اختیار متخصصین تشخیص بیماری، پزشکان و دانشمندان قرار می‌گیرد و آن‌ها با کنار هم قراردادن سرنگ‌ها گره از اسرار علم پزشکی می‌گشایند. یعنی پاسخ‌هایی به سؤالات مربوط به سلامت و بیماری می‌یابند. ثانیاً، علم ژنتیک ممکن است از مشکلاتی نظیر مشکلات تولد و بیماری‌های ژنتیکی جلوگیری کند و یا آن‌ها را درمان کند. ثالثاً، پیوند قلب و سایر اندام‌های بدن بیش از ده یا بیست سال پیش رایج و متداول شده است.

۱۸۶. گزینه ۲ (۱) از این متن می‌فهمیم که

(۱) پزشکی نوین رشته بسیار پرطرفدار و هیجان‌انگیزی است. (۲) فن‌آوری جدید، همه رشته‌ها، به‌ویژه پزشکی را تغییر داده است. (۳) امروزه همه اسرار پزشکی حل شده است. (۴) علم ژنتیک سعی دارد سؤالات مربوط به تولد را جواب دهد.

۱۸۷. گزینه ۱ (۱) اکنون امکان‌پذیر است. (۲) پیوند قلب مانند بیست سال پیش رایج نیست. (۳) فن‌آوری جدید اندام‌ها را کنار هم قرار می‌دهد که مشکلات را حل کند. (۴) دانش ژنتیک ربطی به مشکلات تولد ندارد.

۱۸۸. گزینه ۴ (۱) کلمه «prevent» یعنی

(۱) شامل شدن (۲) اصرار کردن (۳) گام برداشتن (۴) متوقف کردن

۱۸۹. گزینه ۲ (۱) کلمه «illness» یعنی

(۱) شادی (۲) بیماری (۳) اضطراب (۴) سلامت

ترجمه متن ۲

خط راه‌آهن حمل کالا و افراد را برای مسافت‌های طولانی با سرعت بالا از خشکی امکان‌پذیر ساخت. خطوط راه‌آهن ابتدا در انگلستان ساخته شدند و در قرن نوزدهم یعنی زمان رشد انقلاب صنعتی، مهم‌ترین و سریع‌ترین شکل رو به گسترش حمل و نقل محسوب می‌شدند. خطوط راه‌آهن خیلی قبل از لوکوموتیوها وجود داشتند.

۱۶۱. گزینه ۴ (۱) پیش‌بینی کردن (۲) کشف کردن (۳) بهبودبخشیدن (۴) رشد کردن

۱۶۲. گزینه ۱ (۱) دقیقاً (۲) خوشبختانه (۳) اخیراً (۴) به سادگی

۱۶۳. گزینه ۳ (۱) افزایش یافتن (۲) کشیدن (۳) ناپدید شدن (۴) مجروح شدن

۱۶۴. گزینه ۲ (۱) دارو (۲) بیماری (۳) شیمیایی (۴) علامت، نشانه

ترجمه متن ۲

شما در زندگی خود هر روز از نوعی کامپیوتر استفاده می‌کنید - یعنی مغزتان. مغزتان به شما می‌گوید چه زمانی گرسنه هستید. مغزتان به شما کمک می‌کند که به سر کار بروید و همه چیز را به یاد بیاورید. اما گاهی اوقات لازم است خیلی سریع‌تر از توان مغزتان محاسبه کنیم و مطمئن شویم که جواب صحیح است. این زمانی است که ما به کامپیوترهایی نیاز داریم که بتوانند مسائل را حل کنند و دشوارترین محاسبات را با سرعت و دقت حیرت‌انگیز انجام دهند. کامپیوترها به‌ویژه برای ذخیره اطلاعات زیاد مفید هستند. آن‌ها از طریق انداختن (نمایش) پیام‌ها یا تصاویر روی صفحه مانیتور با شما ارتباط برقرار می‌کنند و گاهی اوقات با شما صحبت می‌کنند.

۱۶۵. گزینه ۱ (۱) بعد از help فعل بعد هم به صورت مصدر با to و هم به صورت مصدر بدون to به کار می‌رود.

۱۶۶. گزینه ۲ (۱) برای تأکید صفت تفضیلی می‌توان از «far» یا «much» به معنی «خیلی» استفاده کرد.

۱۶۷. گزینه ۳ (۱) سرمایه‌گذاری کردن (۲) فرار کردن (۳) محاسبه کردن (۴) زنده ماندن

۱۶۸. گزینه ۳ (۱) حمل کردن (۲) ادامه‌دادن (۳) انجام دادن (۴) نگه داشتن

۱۶۹. گزینه ۴ (۱) اضطراب (۲) اتفاق (۳) مواقع اضطرابی (۴) دقت

۱۷۰. گزینه ۱ (۱) چون «information» یک اسم غیر قابل شمارش است، بنابراین گزینه‌های «۲» و «۴» حذف می‌شود از طرفی چون «any» به معنی «هیچ» در جمله‌های منفی یا سؤالی به کار می‌رود، گزینه «۱» را به عنوان جواب انتخاب می‌کنیم.

Tip: «a lot of» به معنی «زیاد» هم با اسم قابل شمارش و هم با اسم غیر قابل شمارش به کار می‌رود.

۱۷۱. گزینه ۴ (۱) تحمیل کردن (۲) مصرف کردن (۳) صادر کردن (۴) انداختن، تاباندن

ترجمه متن ۳

یکی از مشکلاتی که مهندسان هنگام طراحی آسمان‌خراش‌ها با آن مواجه می‌شوند، قدرت باد است. یک آسمان‌خراش ممکن است در باد شدید، تکانه‌هایی داشته باشد، بنابراین باید با اسکلت محکم و پایه‌های عمیق مستقر شود. فولاد و بتن مهم‌ترین مصالح ساختمانی هستند که در ساختن آسمان‌خراش‌ها از آن‌ها استفاده می‌شود. هیچ یک از این مصالح ساختمانی به تنهایی برای نگه داشتن ساختمان استحکام و قدرت کافی را ندارد، اما فولاد تحت فشار (کشش) و بتن تحت فشار و تراکم، محکم و قوی می‌شوند.

۱۷۲. گزینه ۲ (۱) ارتقاء دادن (۲) مواجه شدن (۳) شکل دادن (۴) ساختن

۱۷۳. گزینه ۱ (۱) چون «it» مفعول است، نیاز به ساختار مجهول داریم.

۱۷۴. گزینه ۴ (۱) آسانسورها (۲) اشعه‌ها (۳) گازها (۴) پایه‌ها

۱۷۵. گزینه ۲ (۱) ساختار اولیه جمله به شکل زیر بوده است که ضمیر موصولی به همراه فعل «to be» حذف شده است:

two most important materials which are used

۱۷۶. گزینه ۳ (۱) تخریب کردن (۲) صدمه زدن (۳) نگه داشتن، حمایت کردن (۴) مجروح کردن

۱۷۷. گزینه ۴ (۱) گسترش (۲) تخریب (۳) مصرف (۴) فشار و کشش

ترجمه متن ۴

بحث کند. / ۱۴ مضرات ارزیابی کیفیت زندگی با استفاده از مقیاس رفاه مادی را توضیح دهد.

۲۰۹. **گزینه ۲** «کلمهٔ «counts» در خط ۵ از نظر معنایی به نزدیک‌تر است. (۱) پیروی کردن / (۲) مهم‌بودن / (۳) شامل‌شدن / (۴) تعریف کردن

۲۱۰. **گزینه ۲** هدف (منظور) پاراگراف سوم متن آن است که

(۱) تعریفی دیگر برای تولید ناخالص ملی ارائه دهد. / (۲) مثالی ارائه دهد از محصولاتی که در تولید ناخالص ملی باید به حساب آیند. / (۳) تعریف پاراگراف دو را با جزئیات خاص بسط و گسترش دهد. / (۴) اعتراضاتی را که تولید ناخالص ملی به آن‌ها توجهی ندارد، پیش‌بینی کند.

۲۱۱. **گزینه ۱** از متن می‌توان نتیجه گرفت که از موارد زیر، عاملی که روی تولید ناخالص ملی تأثیر نمی‌گذارد عبارت است از

(۱) وابستگی (اتکاء) به ارزش‌های معنوی / (۲) سرمایه موجود در بازار / (۳) کارآمدی فرآیند تولید / (۴) دانشی که به تولید کالاها و خدمات مرتبط است.

۲۱۲. **گزینه ۲** شخص منتقد به محدودیت‌های معیارهای تولید ناخالص ملی ممکن است شکست آن را با توجه به تمام موارد زیر به جز مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

(۱) ارزیابی مدیریت امور مربوط به خانه و خانواده / (۲) وجود گستردهٔ مواد شیمیایی در رودخانه‌های آمریکا / (۳) ارزش زمانی که یک دلال حقوق‌بگیر بورس، صرف تحقیق می‌کند. / (۴) پروژه‌های همیاری بین والدین بچه‌دار برای نگهداری از کودکان

آزمون ۱ (درس اول)

الف)

216. lose	213. planet
217. many	214. England
218. meat	215. Asia

ب)

222. make mistake	219. make up
223. exist	220. wish
	221. certainly

پ)

224. a. society / b. century / c. ability / d. relationship / e. despite / f. appreciate

ت)

225. a. international / b. famous, well-known / c. part, area / d. same

ث)

228. گزینه d	226. گزینه b
229. گزینه a	227. گزینه c

ج)

230. How much bread does your mother need?

231. I like to drink a glass of water.

232. Are there lots of cars in the street?

را به صورت نقاشی در قسمت‌هایی که ابر نامیده می‌شود، در بر دارد. فیلم‌های کارتون، مانند کارتون‌های والت دیسنی، کارتون‌های متحرک هستند، یعنی آن‌ها فیلم‌هایی هستند که از تعدادی نقاشی‌های مجزای پشت سر هم فیلمبرداری شده‌اند که خیلی سریع روی صفحه نمایش نشان داده می‌شوند تا به نظر برسد اشکال آن‌ها حرکت می‌کنند.

۲۰۳. **گزینه ۳** کدام نوع از کارتون‌ها هدف جدی‌تری دارند؟

(۱) چهره‌ها / (۲) داستان‌های فکاهی مصور / (۳) کاریکاتورهای سیاسی / (۴) فیلم‌های کارتون

۲۰۴. **گزینه ۴** در عبارت «strip cartoons» کلمهٔ «strip» یعنی

(۱) بالون / (۲) بدون کلمه / (۳) نقاشی / (۴) یک باریکه

۲۰۵. **گزینه ۲** کدام جمله دربارهٔ متن درست نیست؟

(۱) نقاشی‌های فکاهی از برخی صحنه‌ها یا موقعیت‌ها باعث خندهٔ ما می‌شود. / (۲) برخی از مردم معتقدند که کارتون (کاریکاتور) عبارت است از هر چیزی که ما را بخنداند. / (۳) برخی از کاریکاتورها رویداد مهم یا جالبی را توضیح می‌دهند. / (۴) اغلب کاریکاتورهای موجود در مجلات و روزنامه‌ها باعث خندهٔ ما می‌شوند.

۲۰۶. **گزینه ۴** فیلم‌های کارتون ساخت والت دیسنی ...

(۱) داستان‌های فکاهی مصور هستند. / (۲) تعدادی تصویر در حال حرکت نیستند. / (۳) در قسمت ابر گنجانده شده است. / (۴) بر اساس یک نقاشی نیستند.

۲۰۷. **گزینه ۳** بهترین عنوان برای این متن می‌تواند باشد.

(۱) ساختن کارتون‌ها (کاریکاتورها) / (۲) کاریکاتورهای روزنامه‌ها / (۳) انواع کارتون‌ها (کاریکاتورها) / (۴) کاریکاتورهای مجلات

ترجمهٔ متن ۶

ضرورت (فایده) تولید فزاینده در سال‌های اخیر بارها به چالش کشیده شده است و حتی عده‌ای ادعا کرده‌اند که رشد اقتصادی فقط نوعی رشد کتی است. با این حال رشد اقتصادی افزایش در توان تولید کالاها و خدمات مورد نیاز مردم است. از آن‌جایی که محصول (نتیجه) رشد اقتصادی را می‌توان بر اساس ارزش آن برای شخص اندازه‌گیری کرد، پرسیدن این سؤال که شاخص ارزش‌گذاری چه کسی اهمیت (ارزش) دارد، مهم است.

در ایالات متحده آمریکا، ارزش یک محصول همان مبلغی است که مشتری‌ها بابت آن می‌پردازند. این ارزش براساس اولویت‌های مشتری و شرایط عرضه، تعیین می‌شود که به نوبهٔ خود نشانگر عوامل مختلف دیگری است، مانند شرایط طبیعی و تکنولوژیکی در یک زمان معین و اولویت‌های کسانی که سرمایه و نیروی کار را تأمین می‌کنند. شاخصی که بر اساس آن ارزش یک کالا را تعیین می‌کنیم تلفیقی از تمام این عوامل است. تولید ناخالص ملی عبارت است از قیمت روز کل محصولات (کالاها) و خدمات است.

تولید ناخالص ملی معیار بی‌نقصی برای ارزیابی تمام فعالیت‌های مربوط به تولید اقتصادی نیست. این شاخص در مورد وخامت یا بهبود محیط توضیحی نمی‌دهد، حتی وقتی آن‌ها نتیجهٔ فرآیند تولید باشند. از طرفی دیگر این شاخص بسیاری از منافع حاصل از تأثیرات جانبی فرآیند اقتصادی را به عنوان محصول به حساب نمی‌آورد؛ و همچنین کار سودمند ولی بدون مزد را در بر ندارد (نظیر کاری که یک خانه‌دار انجام می‌دهد)؛ و نیز عوامل دیگری نظیر دشواری کار و طول هفتهٔ کاری و غیره را لحاظ نمی‌کند.

با این وجود مفهوم تولید ناخالص ملی کمک مهمی به درک چگونگی عملکرد اقتصادی می‌کند. اگر چه تولید ناخالص ملی شاخص بی‌عیبی برای ارزیابی بهره‌وری اقتصادی و حتی کمتر از آن یعنی رفاه اجتماعی، نیست، اما افزایش در سطح یا میزان تولید ناخالص ملی رابطهٔ روشن و مثبتی با آن‌چه که مردم سراسر جهان به عنوان پیشرفت کیفی زندگی می‌دانند، دارد. در دراز مدت همان عوامل منجر به رشد تولید ناخالص ملی و دیگر منافع اجتماعی می‌شوند، مانند اندازهٔ جمعیت و شایستگی آن‌ها، وضعیت علمی، مقدار سرمایه و کارآمدی که این عوامل با آن‌ها ادغام و بهره‌برداری می‌شوند.

۲۰۸. **گزینه ۴** هدف اصلی متن آن است که

(۱) تولید ناخالص ملی را تعریف کند. / (۲) تولید ناخالص ملی آمریکا و اروپا را در مقابل هم قرار دهد. / (۳) دربارهٔ ارزش محصول اقتصادی افزایش‌یافته